

بی بی خانم استرآبادی، کوکبِ آسمان استاره آباد

پروانه نیک‌طبع

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

استرآباد مرکب است از دو کلمه استر و آباد؛ استر مخفف استاره به معنی کوکب، و آباد به معنی عمارت است. صاحب *تقویم البلدان* نقل کرده که این شهر را «استرآباد» هم می‌گویند. آنچه صاحب *مرآت البلدان* آورده مؤید این قول است که استرآباد مخفف استاره آباد است و در زمان زردشت که عجم اجرام مزیئه را مظاهر انوار قدسیه می‌شمرده‌اند و کواکب را زایدالوصف معظم می‌گرفته‌اند این شهر را بنا کرده و به این اسم موسوم نموده‌اند. (*استرآبادنامه*، ص ۶). شهر استرآباد را ایرانیان به دلیل تعداد کثیری از سادات که در آنجا اقامت داشتند دارالمؤمنین نیز می‌نامیدند. فریزر می‌نویسد این شهر به وسیله یزید بن مغلوب یا ملتهب که از سرکرده‌های یکی از طوایف عرب و از سرداران سلیمان خلیفه بنی‌امیه بود در سال ۷۲۰ میلادی تأسیس یافت. (گرگان زمین، ص ۱۴۲)

بی بی خانم استرآبادی تنها زنی که سهمی در ادبیات انتقادی-اجتماعی دوره ناصری دارد، تبارش از استرآباد است. او فرزند محمد باقر، سرکرده سواره استرآبادی بود. خانواده بی بی خانم از



ایل انزان مازندران بودند. وی آگاهانه به مبارزه با ابتذال و خرافات پرداخت و به عنوان متفکری پیشرو در زمانه‌ای تاریک و سیاه به طرح مسائل اجتماعی نظام راکد و استبدادی قاجار، آن‌هم با لحنی طنزآمیز پرداخت و رسالت خویش را در آگاهی دادن به مردم میهنش به انجام رسانید. (اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه، ص ۸).

در این مقاله به تصویر زندگی بی بی خانم استرآبادی زنی از زنان دوره قاجار می‌پردازم که با برشمردن مردانی که در تاریخ و اسطوره‌های اسلامی فرومایه و زنانی که بلند مرتبه تصویر شده‌اند فریاد برمی‌آورد:

راست‌رو را پیر ره کن گرچه زن باشد که خضر در سیاهی چون شود گم مادیانش رهبر است
(معایب الرجال، ص ۵۴)

مقاله با بررسی رساله ۵۴ صفحه‌ای *معایب الرجال* که بی بی خانم در پاسخ به رساله تأدیب *النسوان* از نویسنده‌ای ناشناس نگاشته دنبال می‌شود. بی بی خانم در این کتاب ضمن حمایت از همجنسان خود، نویسنده تأدیب *النسوان* را مورد انتقاد قرار داده و او را به اصلاح صفات رذیله خویش فراخوانده است. متن *معایب الرجال* متمایز از نوشته‌های دیگر با کلامی عریان و مغایر با فرهنگ زن امروز با زبانی بی‌قید، بی‌پرده و ناپرهیزگار به رشته تحریر درآمده است. در واقع، کلام بی بی خانم حدیث نفسی بی‌پرده با روحیه‌ای مردستیز و برای پرده برداشتن از سلطه مردان بر زنان و کوشش برای از بین بردن این سلطه با آشکار کردن اخلاقیات مردان است.

اصل و نسب و زندگی بی بی خانم استرآبادی

در مورد زندگی بی بی خانم استرآبادی تا سال ۱۳۷۵ اطلاعات کافی و دقیقی در دست نبود. منابع مختلف بازگوکننده مطالبی بودند که بی بی خانم در دیباچه کتاب و پایان بخش سوم متن *معایب الرجال* آورده بود. اما در سال ۱۳۷۵ با انتشار کتابی با عنوان *بی بی خانم استرآبادی و خانم افضل وزیری مادر و دختری از پیشگامان معارف و حقوق زنان* از زبان خانم افضل وزیری، به قلم نرجس مهرانگیز ملاح در شیکاگو مطالب تازه‌ای در این خصوص به دست آمد:



جد پدری بی بی خانم کربلایی باقرخان قوللرآقاسی فتحعلی شاه بود که در اوان ولیعهدی فتحعلی شاه در فارس در خدمت او بوده است. جد دیگر بی بی خانم حمزه خان در زمان ناصرالدین شاه در نواحی استرآباد پرشیز و ایل ترکمن کرلان خدمت کرده است. (رویایی زن و مرد در عصر قاجار، ص ۶).

مادر بی بی خانم، خدیجه، ملاباجی ناصرالدین شاه بود. دختری باسواد و باشخصیت که در دربار زندگی می کرد. درستکار و بخشنده بود. در مورد بخشش او بی بی خانم چنین بیان می دارد: «او فقط همیشه دو دست جامه داشت که در هر حمام آن را که درمی آورد می بخشید و یکی به جای آن می دوخت تا همیشه دو دست باشد و دیگر آنکه از حقوق درباری فقط به اندازه مصرف زندگی برمی داشت و بقیه را به فقرا می داد».

در دربار خوانین، افراد سایر نقاط مملکت مشاغلی داشتند. یکی از این خانها محمدباقرخان سرکرده ایل انزان مازندران بود. او در یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به مازندران از خود دلآوری نشان داده و شیری را که به شاه حمله کرده بود کشته بود. از این جهت لقب شیرکش گرفته بود، در رکابش به تهران آمده و شغل ایشیک آقاسی باشی دربار به او تفویض شده بود. او در تهران دلباخته ملاباجی خدیجه شد و از شاه اجازه ازدواج خواست و موافقت شاه را به دست آورد. این دو بعد از ازدواج به مازندران رفتند. خدیجه در آنجا یک دختر به نام بی بی و یک پسر به نام حسینعلی به دنیا آورد. اما از محمدباقرخان دل خوشی نداشت چون او پنج زن دیگر داشت. زندگی مادر بی بی خانم در روستای نوکنده که یکی از دهات بندرگز از توابع استرآباد بود چندان راحت نبود.

در اندرون بی بی هشت ساله مرتب به در و دیوار قصر الف و ب می نوشت و دیوارها را سیاه و خط خطی می کرد. روزی چشم زن ناصرالدین شاه به دیوارهای قصر می افتد و می پرسد چه کسی اینها را سیاه کرده و نوشته است؟ جواب می دهند کار بی بی دختر ملاباجی است. می گوید او را بفرستید تا با دخترها درس بخواند و او به این درس خواندن ادامه داد تا دختری بالغ شد.



ناصرالدین شاه برای مهاجران وطن پرست قفقازی که پس از تصرف شهرهای قفقاز توسط روسها به تهران مهاجرت کرده بودند بریگاد قزاق را که آن را هم معلمان روسی و فرانسوی اداره می کردند تأسیس کرد. بیشتر این مهاجران در آن بریگاد به سپاهی گری مشغول بودند. یکی از این مهاجران موسی خان وزیری بود. موسی خان، به خاطر تسلطش به زبان و ادبیات فارسی، در قزاقخانه علاوه بر سپاهی گری به تدریس فارسی هم اشتغال داشت. او درجات نظام را یکی بعد از دیگری گذراند و به میرپنجی رسید. صدای رسایش از صفات مشخصه او بود. مردی درست و مهربان و ملایم بود. به خاطر همین صفات، توأم با دلاوریش، نزد دوستانش به موسی پیغمبر معروف شده بود. (بی بی خانم و خانم افضل وزیری، ص ۱۰-۹). موسی که چهار سال از بی بی خانم کم سن تر بود، زمانی که بی بی خانم بیست و دو ساله بود به او دل بست. بی بی خانم هم گرفتار و بی قرار او می شود. به دلیل مخالفت دایی بزرگش که از جمله فضلا و علمای مشهور بود چهار سال طول می کشد تا مادرش رضایت دایی را به این ازدواج جلب کند و سرانجام به چهار صلوات نقد و چهارصد تومان نسیه به عقد موسی خان درمی آید.

بی بی خانم به نقل از منابع مختلف

در منابع مختلف بخشی از این اطلاعات بازگو شده است: فخری قویمی در *کارنامه زنان مشهور* در مورد بی بی خانم می نویسد: «در زمان قاجاریه بانویی باسواد و اهل مطالعه با خطی خوش و بیانی نیکو می زیسته به نام بی بی خانم که پدرش محمدباقرخان استرآبادی سرکرده سواران استرآباد و جدش باقرخان قوللرآقاسی شکارچی ماهری بوده است.» و در جای دیگر که درباره جد مادری بی بی خانم است اضافه می کند: او زنی معاشرتی و مردم دار بود، غالباً در مجالس و محافل که ترتیب می داد زنان باسواد و اهل علم شرکت داشتند». بنابر این نوشته، نام اصلی او «بی بی فاطمه استرآبادی» است (ص ۱۰۱-۱۰۲). وی همچنین از بی بی وزیراف به عنوان مؤسس دبستان «دوشیزگان» در جای دیگر نام می برد (ص ۱۳۱-۱۳۳).

مخبرالسلطنه هدایت در کتاب *خاطرات و خطرات* در مورد بی بی خانم می نویسد: «بی بی خانم زنی نقاله و قواله بود ... هفته هفته در منزل آشنایان مجلس آرا بود و به چادر نمازی یا



چادرقدی قانع. نه دعوی ستارگی داشت نه خود را از برآوردگان برجسته تمدن می دانست و ستارگان امروز عشر هنر آن ستاره کوران را ندارند. مادی اند، بی لطف و پرمدها» (ص ۲۷-۲۸). متأسفانه در منابع مختلف بدون ارائه هیچ مدرکی سه زن معادل یک نفر نگاشته شده اند. یکی: بی بی خانم مؤسس مدرسه «دوشیزگان». دوم آنکه در نقل قول عبدالحسین ناهید در *کارنامه زنان مشهور ایران* آمده و سوم: بی بی خانم نویسنده رساله *معایب الرجال* است. همچنین عذرا بخشایشی در *زنان خوشنویس از دیروز تا امروز* از بی بی خانم استرآبادی در شمار زنان خوشنویس یاد کرده (معایب الرجال، ص ۶).

افسانه نجم آبادی در پیشگفتار *معایب الرجال* شرح حال برگرفته از متن کتاب را مد نظر قرار داده و متذکر می شود که عبدالحسین ناهید در کتاب *زنان ایران* در جنبش مشروطه، بی بی خانم استرآبادی را با دو زن دیگر یکی می انگارد (ص ۱۹-۲۰).

حسین جوادی در کتاب *رویارویی زن و مرد در عصر قاجار: تأدیبات النسوان و معایب الرجال*، متذکر می شود که در مورد زندگی بی بی خانم بجز آنچه در اول کتاب *معایب الرجال* نوشته شده اطلاعات زیادی در دست ندارد.

با روشن شدن این مطلب که بی بی استرآبادی نگارنده *معایب الرجال*، همان بی بی وزیری (وزیراف) بنیان گذار دبستان «دوشیزگان» است، به منابع تازه ای درباره زندگی بی بی خانم دسترسی پیدا می کنیم.

بی بی خانم وزیری = بی بی خانم استرآبادی

سید ابراهیم نبوی در کتاب *کاوشی در طنز ایران* با عنوان واقعیت روشن با استناد به کتاب بی بی خانم استرآبادی و خانم افضل وزیری بیان می دارد که: شاید، شهرت وی در دوران خویش باعث شد که بی بی خانم شأن و ارج و منزلتی یابد که بسیاری در مورد او داستان سرایی کنند و یا حتی در مورد او لیچار بگویند. اما اطلاعات به دست آمده از فرزندانش غبار موجود در مقابل چشمان ما را کنار می زند و مارا با شخصیت برجسته و بزرگ او بیشتر از پیش آشنا می کند. و در ادامه اصل و نسب بی بی خانم را به نقل از کتاب بازگو می کند (ص ۳۶۲-۳۶۳).



بی بی خانم در عصر خود زنی نوآور بود. او پایه تربیتی جدیدی را برای هفت فرزندش، که یکی بعد از دیگری قدم به عرصه وجود گذاشتند، ریخت. خانه او مجمع افراد تحصیل کرده و هنردوست بود. برادر بی بی دکتر حسینعلی خان پزشک مظفرالدین شاه بود. دای بی بی آقا شیخ اسدالله مجتهد بود. پسرخاله او پسر میرزا، خوشنویس باشی دربار بود که بعد از فوت پدر جانشین او شده بود. همه این گروه فاضل، خوش مشرب و آموزگاران خوبی برای بچه‌های بی بی بودند.

بی بی در خانه حکومت می کرد. البته از قدرتش فقط در جهت تعلیم و تربیت فرزندانش استفاده می کرد. با وجود اینکه در اندرون استبدادی رشد کرده و بزرگ شده بود، از حکومت خودکامه فردی دفاع نمی کرد و برعکس طالب مشروطه بود و از دیدگاه انسانی با آزادی برخورد می کرد. او طالب حقوق مساوی برای زن و مرد بود. در حالی که گاهی حالت آمرانه درباری از رفتارش مشاهده می شد. بچه‌ها به ترتیب مولود، علینقی خان، فتحعلی خان، حسنعلی خان، خدیجه افضل، علیرضاخان و علی اصغر خان نام گرفتند.

در آن دوران مدرسه وجود نداشت. بی بی خانم برای سه پسر بزرگتر معلمی (ملاباشی) استخدام کرد. در هشتی دم در منزل اطاقی بود که ملاباشی از صبح می آمد و پسرها نزدش درس می خواندند. نهار را هم در آنجا صرف می کرد و شب به منزل می رفت. دختر بی بی خانم، خانم افضل وزیری که شش ساله بود با حسرت به کتابهای برادرانش نگاه می کرد. بی بی خانم که اشتیاق او را برای درس خواندن مشاهده کرد از ملاباشی خواست تا او را نیز درس بدهد. در کنار ملاباشی هم بازی می کرد و هم درس می خواند.

چندی گذشت و مدرسه پسرانه کمالیه به مدیریت مرتضی خان باز شد. بی بی خانم بعد از شور با موسی خان به این نتیجه رسیدند که پسرها بزرگ شده‌اند و از ملاباشی حرف شنوی ندارند، او هم جز ترسل و نصاب چیز دیگری نمی داند تا یاد بدهد. بنابراین او را جواب کردند و سه پسر راهی مدرسه کمالیه شدند. بی بی خانم نامه‌ای مؤثر به مدیر مدرسه کمالیه نوشت و در آن شرح داد که دختری هشت ساله، باهوش و علاقه‌مند به درس خواندن دارد که اگر مدیر اجازه فرماید او را لباس پسرانه پوشانده و اسم پسرانه به رویش گذاشته و با برادرانش به مدرسه بفرستد تا درس بخواند. مرتضی خان تحت تأثیر این نامه قرار گرفت و خواهش بی بی خانم را پذیرفت، مشروط بر



اینکه برادران نام او را بر زبان نیاورند. پس گیسوان او را زدند و سرداری تافته و شلواری بر تن او کرده و در سوراخ‌های گوش او به‌جای گوشواره نخ کردند و با نام میرزا علی اصغرخان با برادرها روانهٔ مدرسه کردند (بی‌بی خانم و خانم افضل ص ۱۱ و ۱۲).

به‌دلیل درک شرایط زنان در آن دوران و تجربهٔ زندگی شخصی، مسائل زنان برای بی‌بی خانم اهمیت ویژه‌ای یافت. براساس گفته‌های خانم وزیری دختر بی‌بی خانم، وی علاوه بر نوشتن کتاب *معایب الرجال* و نوشتن مقالات مختلف در دفاع از حقوق زنان و همچنین فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، برای دختران کتاب دیگری به نام *دربارهٔ فجایع دربار ناصرالدین شاه* نوشته بود که تاکنون اثری از این کتاب به‌دست نیامده (بی‌بی خانم و خانم افضل وزیری، ص ۲).

شرح ماجرای بازکردن اولین مدرسهٔ دخترانه در تهران را خدیجه افضل وزیری، دختر کوچک بی‌بی با عنوان دبستان «دوشیزگان» چنین بیان می‌دارد:

«به سال ۱۳۲۴ق دولت اعلام مشروطه کرد. پدرم سرتیپ بود و به سمت ریاست قشون شیراز منصوب شد. او دو برادر بزرگ‌تر علی‌تقی‌خان و فتح‌علی‌خان را برداشت و با خود به شیراز برد. خانهٔ بزرگ ما که دارای ۱۲ اتاق بود خالی به‌نظر می‌رسید و مادر را به فکر باز کردن مدرسهٔ دخترانه انداخت. ولی تا به حال مدرسه ندیده بود و طرز کلاس‌بندی کلاسهای درس را نمی‌دانست. در سالهای قبل از مشروطه بریگاد قزاقخانه برای پسران صاحب‌منصبان در همان قزاقخانه مدرسه‌ای تأسیس کرده و از خارج معلم آورده بود. پدرم هم چون از سواد فارسی خوبی بهره‌ور بود در آنجا فارسی تدریس می‌کرد. برادران را نیز از مدرسهٔ کمالیه درآورده و به مدرسهٔ قزاقخانه گذاشته بودند. برادرم حسن‌علی‌خان روش کلاس‌بندی را از روی کلاسهای قزاقخانه به ما آموخت. یعنی شکل دو ردیف نیمکت و میز مقابل آن در دو طرف اتاق و در مقابل قسمت بالای اتاق میز معلم و صندلی پشت میز را به طوری که روبه‌روی بچه‌ها باشد؛ همه و همه را یاد ما داد.

کلاسها را به همان شکل درست کردیم و یک نقشهٔ جغرافیا هم به دیوار زدیم. ولی مادر راضی نبود و برای اینکه خواهرم و من آموزش درست در مورد نحوهٔ ادارهٔ کلاس کسب کنیم ما را به مدرسهٔ آمریکایی که بالای خیابان قوام‌السلطنه واقع شده بود فرستاد تا در ضمن تحصیل معلمی هم بیاموزیم. صبحهای زود از پاقاپق که منزلمان در آنجا بود پیاده حرکت می‌کردیم تا به



موقع سرکلاس درس حاضر باشیم. در آنجا زبان انگلیسی، کمی جغرافیا و حساب به انگلیسی درس می‌دادند. حساب را در ذهنم به فارسی برمی‌گرداندم تا بتوانم یاد بگیرم. ولی هنگامی که تعطیلات تابستان فرا رسید به سبب دوری راه به این تحصیل ادامه ندادیم. اما آموزش خوبی برای اداره کلاس به دست آوردیم. در این مدت مادر هم اجازه‌نامه رسمی از وزارت معارف آن وقت برای باز کردن مدرسه گرفت و در همان سال دبستان دوشیزگان را افتتاح کرد. سه کلاس داشتیم. یک کلاس را مادرم معلمش بود و دو دیگر را یکی خواهرم و یکی را من اداره می‌کردم. قریب به بیست شاگرد اسم نوشتند و کلاسها شروع به کار کرد.

وی متذکر می‌شود که با افتتاح مدرسه جدید، بی بی خانم دچار دردسر فراوان گردید و در پی چاپ تکفیرنامه از طرف روحانیان آن زمان برای بی بی خانم وی مجبور شد در محافل مختلف از اقدامات خود به نفع دختران و زنان دفاع کند و همچنین چندین نامه و سخنرانی از بی بی خانم در نشریات سال‌های اول انقلاب مشروطه، مجلس، تمدن و حبل‌المتین به چاپ رسید که این نوشته‌ها حاوی مطالبی در دفاع از مدارس دختران و لزوم تحصیل علم برای زنان و حقوق حیاتی آنان بود (همان، ص ۱۶-۱۵).

سرانجام بی بی خانم استرآبادی در سال ۱۳۰۰ش درگذشت (همان ص ۳).

معایب الرجال

معایب الرجال رساله‌ای است که به سال ۱۳۱۲ق/ ۱۸۹۴م در پاسخ به تأدیب النسوان (رساله کوچکی که گویا توسط یکی از شاهزادگان قاجار در سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۸۰م نوشته شده بود) توسط بی بی خانم استرآبادی نگاشته شده است. متن کتاب ۵۴ صفحه شامل دیباچه، نصایح نسوان بعون الملک المنان، قصیده‌ای در مدح ناصرالدین شاه قاجار و قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه [سروده بی بی خانم] و مجالس چهارگانه پاسخ به تأدیب النسوان است.

معایب الرجال سخن پیکار زنی با زن‌ستیزی کلام مردی همزمان خویش است. تأدیب النسوان رساله‌ای مرد شیفته و زن‌ستیزانه است که برای تأدیب زنان نگاشته شده بود که نگارنده آن را شرح «سلوک زنان» می‌انگارد و امیدوار بود که مردان را مطبوع طبع افتد و این مختصر را به



دختران خودشان بدهند تا در مکتب‌خانه‌ها بخوانند. برخلاف نگارندهٔ تأدیپ النسوان که خود را در پس پردهٔ بی‌نامی می‌پوشاند بی‌بی خانم در گشایش متن از راه معرفی اصل و نسب خویش به خواننده بر آن است که به متن خود اعتبار بخشد.

بی‌بی خانم در بیان شرایط نگارش *معایب الرجال*، محیط زنانه و نیاز به همدلی و همدردی خواهرانه‌ای که اندیشهٔ این کار را شکل داد چنین می‌گوید: «روزی در منزل یکی از دوستان محفلی از نسوان گرد آمده و انجمنی از ایشان گرم گردیده، این کمینه در آن میانه بلبل بوستان و عدلیب هزارستان گردیده، از هر حکایتی صحبتی و از هر روایتی نصیحتی می‌نمودم تا به مقامی که دیگران را کار به غیبت کشیده و مرا زبان به منع و شناخت. ... یکی از هم‌جنسان من که دلی پردرد و رنگ و روی زردی داشت، از دست شوی نامرد خویش، آهی سرد برکشید و گفت: ای خواهر خبر از دل‌های داغدار جگرهای پرشرار ما نداری که این صحبت را غیبت می‌شماری. (ص ۵۲) در این میان یکی از خواهران خبر از کتابی از نامردی که نادرهٔ دوران و اعجوبهٔ جهان است که اسم بدرسم را *تأدیپ النسوان* نهاده، می‌دهد» ... بی‌بی خانم این‌گونه ادامه می‌دهد که: «هر چند تا به حال خیال نداشتم، لیکن اکنون همت برگماشتم که سخنان موزون به پارسی زبان، از خوبی و نرمی چون آب روان، در برابر کتاب زشت این بدسرشت آرم، تا مردان بدانند که در میان زنان کسانی چند با رتبت بلند، نکونام و ارجمند می‌باشند که قوهٔ ناطقه مدد از ایشان برد:

زبان در دهان ای خردمند چیست	کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی	که جوهر فروش است یا پیله ور

(ص ۵۴)

و در آخر بیان می‌دارد که: «چون در آن محفل و انجمن خواهران در دامنم چنگ زنان، خواهشمند این ارزشنگ زمان گردیدند ... لابد و ناچار شروع به ردّ ایرادات و تأدیبات کتاب *تأدیپ النسوان* نموده و هریک را جوابی کافی و شافی داده که دل‌هاشان ربوده و جان‌هاشان از رنج آسوده گردید و نام این مطالب الامال را *معایب الرجال* نهاده، رجا از اینکه رجال پیرامون این اعمال نگردند- بمنه و کرمه-» (ص ۵۵).



چنانچه از مطالعه *معایب الرجال* برمی آید، بی بی خانم از اطلاعات بسیار وسیع و گسترده‌ای برخوردار بوده و با ظرافت و نکته‌سنجی به نقادی و پاسخگویی می‌پردازد و در این بررسی نه تنها وضع زندگی اشراف و گروه‌های اجتماعی بالادست را در نظر می‌گیرد، بلکه به بررسی طبقه متوسط نیز می‌پردازد و برخلاف زنان معاصر خود که دانش اجتماعی آنان از اندرونی فراتر نمی‌رفته است، اطلاعات بسیار دقیقی از روابط اجتماعی و به‌خصوص مجالس مردانه دارد (کاوشی در طنز ایران، ص ۳۶۸).

بی بی خانم با تأسف از وضع زنان ایران یاد می‌کند و می‌نویسد: «ما زنان از کار و کسب و معرفت دور مانده‌ایم و ممنوع از تمام مراودات و تحصیل و محاسنات و ادب و تربیت گشته‌ایم. معاشرانمان موجودات ناقصی هستند همچون اطفال و صبیان و دختران و نسوان و کارمان فقط با صدمات و زحمات خانه‌داری و بچه‌گذاری می‌گذرد» (رویارویی زن و مرد در عصر قاجار، ص ۱۰).

زن‌مداری معایب الرجال

معایب الرجال با رساله‌های اخلاق و اندرزنامه‌های زمانه خویش هم‌بافت است. همان نخستین سطر رساله روشن می‌کند که این متن در طنز حکمت سنت و روایت در مورد زنان نگاشته شده است. نگارنده نگرش‌های رایج را گاه به شوخی می‌گیرد، گاه تفسیرهای نوین از آنها می‌نویسد و گاه نگونسارشان می‌کند. گذشته از نگارش *معایب الرجال* به ساختار روایی رایج، بی بی خانم نوشته‌های خود را با تار و پودهای بازگرفته از ادبیات مذهبی - با نقل پانزده آیه قرآنی، هفده حدیث نبوی و استفاده از نهج البلاغه و ادبیات غیرمذهبی با آوردن نود و هشت بیت از اشعار فارسی و اتکا به سعدی و مولوی و بازگویی هفت مورد از امثال فارسی، پی می‌گیرد. وی در شرح زن‌مداری مردان به مصاف با سعدی برمی‌خیزد و پس از نقل این بیت:

زن نو کن ای خواجه در هر بهار که تقویم پارینه ناید به کار*

(*معایب الرجال*، ص ۳۷)

* زن نو کن ای دوست هر نو بهار که تقویم پاری نیاید بکار (بوستان سعدی، ص ۱۵۶)



خطاب به سعدی می‌گوید: «اما چنان نیست. ای عاقل که ناقصان را عیب می‌گیری، درست تصور کن بین این کار خوب است؟ و پس از واسازی منطق پند سعدی، از راه مخاطب ساختن خواننده، او را به همنوایی با تفسیر خود فرا می‌خواند و می‌گوید: «حال از روی انصاف و بصیرت بنگرید که شیخ سعدی - علیه الرحمه - یکی از فقها و عقلاهی مردهاست. این صلاح را برای ایشان دیده. پس ببینید مردهای بی‌سواد عوام کالانعام چه کارها و چه بلاها به سر زنها نمی‌آورند.» (همان، ص ۸۴-۸۳)

گذشته از هم‌پیوندی با احادیث و متون دینی و ادبی که میراث فرهنگی پیشینیان را به کار غنای روایی *معایب الرجال* می‌گیرد. *معایب الرجال* با دو متن هم‌دوره خود، *تأدیب النسوان* و *آداب ناصری* درهم آمیخته است. آمیختگی متن‌ها، پیوندهای متفاوتی را می‌سازد، *معایب الرجال* با آداب ناصری آمیزش همفکرانه و گفتگویی دوستانه داشته است، اما پیوند آن با *تأدیب النسوان* از در ناسازگاری و به جهت جدل است.

بی‌بی خانم در پاسخ به تأدیب النسوان این‌گونه آغاز می‌کند: «کردگاری را بنده‌ایم و پروردگاری را پرستنده که گلهای خوش طلعت از گل آورد و مل‌های پر جوش محبت اندر دل. آن را آرایش بوستان و از این یک آسایش دوستان. بلبلان را کاشف اسرار باغ و قمریان را مقربان بوستان و راغ. جغد را ویرانه‌ای لانه و کبک را کوهسار کاشانه.» (همان، ص ۵۲) و پس از پاسخ به ده فصل *تأدیب النسوان* از نویسنده انتظار دارد که راه و رسم انسانیت و مدنیت را به زنان بیاموزد تا بتوان نام مربی بر او نهاد. وی ضمن جوابگویی به اعتراضات و درخواست‌های مؤلف *تأدیب النسوان* از زنان، آگاهی سیاسی و اجتماعی خود را نیز به وضوح نشان می‌دهد. به نظر او ظرافت، نکته‌سنجی و آداب‌دانی در حالی که برای طبقه بالا میسر است، برای زنان طبقه متوسط و پایین که گرفتار مشقات زندگی هستند مقدور نیست (همان، ص ۱۱ و ۱۲). بی‌بی خانم مطالب کتاب را در چهار مجلس، مجلس اول: اطوار شرابخوار، مجلس دوم: کردار اهل قمار، مجلس سوم: در تفصیل چرس و بنگ و واپور و اسرار و مجلس چهارم: شرح گفتگو و اوضاع عبائره و اقرا، اجابره و الواط نوشته است. در بخش پایانی حکایت و سرگذشت و شرحی از زندگی شخصی و داستان عشق و دلدادگی خود و تجربه تلخ جدایی از شوهرش را بیان می‌دارد.



رسالهٔ *معایب الرجال* در سال ۱۳۷۱ دو بار در آمریکا به چاپ رسید: یک بار با عنوان *رویارویی زن و مرد در عصر قاجار: تأدیبات النسوان و معایب الرجال*، به کوشش حسن جوادی، میزبه مرعشی و سیمین شکرلو، ناشر، کانون پژوهش تاریخ زنان ایران، کالیفرنیا. تصحیح این کتاب براساس:

(۱) نسخه‌ای به خط شکستهٔ علی اکبر تفرشی به شمارهٔ ۷۸۵۶۸-۸۲۵۲ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی و فیلم شمارهٔ ۴۸۵۰، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران در ۴۶ برگ.

(۲) نسخه‌ای به خط نستعلیق متعلق به کتابخانهٔ فرمانروایان ظاهراً به خط بی بی خانم در ۴۱ برگ انجام گرفته است. حسن جوادی نخستین آشنایی خود را با متن رسالهٔ *تأدیبات النسوان* از طریق مطالعهٔ کتاب *Eastern Love* نوشتهٔ جامعه‌شناس انگلیسی (Poweys Matters) در دانشگاه برکلی بیان می‌دارد. وی پس از مراجعت به ایران در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نسخهٔ *معایب الرجال* را پیدا کرده، و دو رساله را در مجموعه‌ای جالب که از طرفی نظر سستی مردان ایرانی را نسبت به زنان و رفتار آنها نشان می‌دهد و از سوی دیگر نظر زنی روشنفکر و آزاده را نسبت به مردان آن روزگار دربردارد به چاپ رسانید. (*رویارویی زن و مرد در عصر قاجار*، ص ۲)

بار دیگر افسانهٔ نجم‌آبادی رساله را با عنوان *معایب الرجال* (در پاسخ به *تأدیبات النسوان*) ویرایش کرده و توسط انتشارات نگرش و نگارش زن در شیکاگو به چاپ رسانید.

نسخه‌های شناخته شده توسط افسانهٔ نجم‌آبادی عبارت‌اند از:

(۱) نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ ۷۸۵۶۸-۸۹۸۴ به خط بی بی خانم استرآبادی (متن چاپی شده نجم‌آبادی براساس همین دست‌نوشته است).

(۲) نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ حافظ فرمانروایان به شمارهٔ ۲۲۰۳ در کتابخانهٔ دانشگاه تهران، کاتب: علی اکبر حسینی تفرشی، تاریخ کتابت، ۱۳۱۳ق.

[محمدحسن رجبی در *مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گویی از آغاز تا مشروطه* از دو نسخهٔ *معایب الرجال* به خط علی اکبر تفرشی، تاریخ کتابت: شوال ۱۳۱۳ و پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۱۴، موجود در کتابخانهٔ ملک نام می‌برد (ص ۳۴)]

(۳) نسخهٔ کتابخانهٔ ملک، شمارهٔ ۶۲۹۷، به خط نستعلیق سید ابوالقاسم بن آقا میرزا سید جعفر.



۴) نسخه کتابخانه گلستان که محمدتقی دانش‌پژوه در صفحه ۱۲۱ مقاله خود از آن نام برده است. افسانه نجم‌آبادی نخستین آشنایی خود را با معایب الرجال مدیون کتاب فریدون آدمیت و هما ناطق: افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار می‌داند. در این کتاب از معایب الرجال به عنوان نسخه خطی موجود در مجموعه مرکزی دانشگاه تهران یاد می‌شود. (ص ۲۲-۲۷)

افسانه نجم‌آبادی معایب الرجال را سخن پیکار زنی با زن ستیزی کلام مردی همزمان خویش می‌خواند و معتقد است که نوشته بی‌بی خانم «متنی زن‌مدار، به کلام همدلی زنان با کلامی عریان» می‌باشد (معایب الرجال، ص ۱۰). با توجه به متن معایب الرجال، بی‌بی خانم از بازگویی حکایاتی که با عفت کلام ناسازگار است شرمگین نیست و در اکثر حکایات با کلامی عریان سخن می‌گوید. البته این‌گونه سخن که با صراحت و بی‌محابا بیان گردیده، در محیطی زنانه و حریمی زن‌آمیز و به منظور پخش در مجامع زنان نوشته شده است. کلام متن رساله، جهت هم‌سخنی با دیگر زنان به منظور یادگیری و یاددهی حکمت و سلوک زمان اندوخته مادر به دختر و خواهر به خواهر و فضای سخن زنانه است، ولی به لحاظ فرهنگی برای نشر همگانی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد و به همین دلیل است که صد سال بعد و در کشوری دیگر متن نسخه، ویرایش شده و به چاپ رسیده است.

در سال ۱۳۷۲ جلال متینی در مجله ایران‌شناسی نقدی بر چاپ این کتاب و عریان کلامی آن و استفاده از واژگانی به دور از ادب و مغایر با معیارهای ادب فارسی بر پیشگفتار نجم‌آبادی نوشته است. (ایران‌شناسی، ص ۶۳)

نتیجه

دوره قاجار مرحله‌ای از تاریخ ایران در گذر از عصر حرمسرا به دوره تجدد است که در آن، زنان آهسته آهسته به راهی می‌رفتند که بتوانند تا حدی از آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار شوند (پشت پرده‌های حرمسرا، ص ۳۲۰). بی‌بی خانم را می‌توان نماینده پرشور این مرحله از تاریخ دانست.



حزن انگیز بودن برخی روایات در نوشته‌های بی بی خانم نشان‌دهنده رنجی است که نتیجه مطرح نشدن واقعیات اجتماعی است. در مجموع، با بررسی زندگی بی بی خانم و رساله معایب الرجال می توان به این نحو مطلب را به پایان رسانید که: بی بی خانم استرآبادی بانوی روشنفکر و آزاده و فاضل و نخستین بنیان‌گذار آموزشگاه دخترانه با چاپ مقالاتی در دفاع از حقوق زنان در مجلات دوره قاجار تحولی در اندیشه زنان همدوره خویش به وجود آورد. وی با اعتقاد به اینکه دختر و پسر در کسب علم و معرفت، می‌بایست حقوق یکسانی داشته باشند، گیسوان دخترش را به دلیل اشتیاق به درس خواندن تراشید و با نام میرزا علی اصغرخان با لباس پسرانه همراه برادرانش به مدرسه کمالیه فرستاد؛ در واقع بی بی خانم زنی بود که به عصر خود تعلق نداشت. او در رساله معایب الرجال فریاد برآورد که: مردان با دور نگاهداشتن زن از سواد و علم و معرفت به او ظلم می‌کنند و آنها هستند که سبب ناآگاهیهای زنانند. اگرچه زبان صریح و بی‌پروای بی بی خانم، زبانی مناسب چاپ عمومی نیست ولی صرف‌نظر از این عریان کلامی متن، می‌توان آن را یک اثر برجسته در نقد روابط مردسالارانه در اجتماع ایران شناخت و بی بی خانم استرآبادی را که ضرورت تاریخی او را وادار به نوشتن و ثبت اندیشه‌هایش کرد، بانویی هشیار و واقع‌گرا و روشنفکری آزاده، طالب حقوق مساوی زن و مرد معرفی نمود.

منابع

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران، آگاه، ۱۳۵۶.
- استرآبادی، بی بی خانم، معایب الرجال در پاسخ به تأدیبات النسوان، ویراستاران: افسانه نجم‌آبادی، محمود توکلی طرقي، شیکاگو: نگارش و نگارش زن، ۱۳۷۱/۱۹۹۲م.
- جوادی، حسن، رویارویی زن و مرد در عصر قاجار: تأدیبات النسوان، معایب الرجال، کالیفرنیا: کانون پژوهش تاریخ زنان ایران، ۱۳۷۱/۱۹۹۲م.
- ذبیحی، مسیح، استرآباد نامه، با همکاری ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۸.
- _____، گرگان زمین تهران، شورای جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰.
- رجبی، محمدحسن، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
- سعدی شیرازی، بوستان شیخ اجل سعدی، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۶۳.
- قومی، فخری (خشایار وزیری)، کارنامه زنان مشهور ایران در علم، ادب، ... از قبل از اسلام تا عصر حاضر، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲.



- کراچی، روح‌انگیز، اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه، ج ۲، تهران، دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۸۱.
- متینی، جلال، «نقد و بررسی کتاب معایب الرجال»، ایران‌شناسی، ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی، آمریکا، بنیاد کیان، س ۵، ش ۲، ص ۴۳۶-۴۴۲، ۱۳۷۲.
- ملاح، نرجس مهرانگیز، بی‌بی خانم استرآبادی و خانم افضل وزیری مادر و دختری از پیشگامان معارف و حقوق زنان، از زبان خانم افضل وزیری، ویراستاران: افسانه نجم‌آبادی، محمود توکلی طرقی، شیکاگو: نگرش و نگارش زن، ۱۳۷۵/۱۹۹۶م.
- نبوی، سید ابراهیم، (گردآورنده) کاوشی در طنز/ایران: التحقيق فی حقایق الدقیق من باب الهزل والهجو و الطنز ... ، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۸۰.
- هدایت، مهدی‌قلی مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، ج ۲، تهران، زوار، ۱۳۴۴.